

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و سوم ، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹

صفحات: ۵۶-۸۳

تحلیل مبانی و تبیین جایگاه اصل منع تبعیض و بی طرفی دولت در ارائه خدمات عمومی

و راه کارهای تحقق آن در حقوق ایران

نویسندگان:

روح اله ملکی^۱، ریحانه منصوری مهر^۲

چکیده

بنیان حقوق اداری بر ارائه ی خدمات عمومی و رفع نیازهای همگانی استوار است. خدمات عمومی وظیفه مهم و اساسی حاکمیت محسوب می شود . این موضوع به عنوان یکی از شاخصه های اصلی مطلوبیت و مقبولیت دولت در حقوق اساسی و اداری مطرح است. همین امر سبب گردیده است تا بر اساس دکترین حاکم بر حقوق اداری، خدمات عمومی از اصول متعددی تبعیت نماید؛ یکی از مهم ترین این اصول، اصل برابری و عدم تبعیض و عدم برابری در ارائه خدمات عمومی یا بهره مندی از منافع عمومی است. اهتمام پژوهش حاضر تحلیل جایگاه اصل منع تبعیض و عدم برابری و بی طرفی دولت در ارائه خدمات عمومی است که به روش توصیفی - تحلیلی می باشد. نتایج حاکی از آن است که اصل منع تبعیض و عدم برابری و بی طرفی دولت در ارائه خدمات عمومی با وجود پاره ای از نواقص و ابهامات در نظام حقوقی ایران مورد شناسایی قرار گرفته است و تضمیناتی برای تحقق آن پیش بینی شده است. مبنای اصولی اصل بی طرفی دولت در ارائه خدمات عمومی؛ حاکمیت قانون بر خدمات عمومی، اجرای قانونمند خدمات عمومی و نظارت بر آن می باشد. در چنین نگرشی، چالش های عدم ارائه خدمات عمومی در راستای اجرای اصل بی طرفی شامل محرومیت ها و معضلات اجتماعی، اقتصادی، روابط ناسالم میان دولت و مردم، نابرابری در میان اقشار جامعه و فساد طبقاتی می گردد.

کلید واژه ها : دولت، حقوق اداری، اصل منع تبعیض و برابری، بی طرفی، خدمات عمومی.

۱ : دکترای تخصصی، گروه حقوق. دانشگاه آزاد اسلامی. اندیشک. maryam.sedighiasl.58@gmail.com

۲ : کارشناسی ارشد، گروه حقوق. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول. - r_malekie_h@yahoo.com

۱- مقدمه

ادیان الهی بالاخص دین مبین اسلام بر محقق شدن عدالت در ارائه خدمات در کلیه جنبه‌های زندگی تاکید نموده است. قانون اساسی در مواد متعددی به موارد آشکاری از خدمات عمومی اشاره داشته و دولت را موظف به تامین خدمات عمومی نموده است. به این علت که اشخاص در جامعه بایستی از لحاظ روانی، این احساس را داشته که با آنها به صورت منصفانه و عادلانه رفتار گردیده است.

خدمات عمومی انواع متعددی داشته است و از حق آموزش تا حق سلامت و تامین اجتماعی و حق اشتغال و... متفاوت بوده است. از چنین تبعیض و عدم برابری که چشم پوشی کنیم دیگر تبعیض و عدم برابری در جای خود قابل تامل بوده‌اند من جمله تبعیض و عدم برابری در رابطه با مذهب و اشتغال و آموزش که وحدت ملی را به مخاطره انداخته است. بدین ترتیب تا هنگامی که عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد نگردد تحقق عدالت به مفهوم واقعی آن، صورت نمی‌پذیرد.

فرض مهم در تئوری‌های خدمات عمومی آن بوده که با در نظر گرفتن خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خاص و ویژه‌ای که خدمات مذکور داشته‌اند - ارائه مطلوب، مناسب و مدیریت بهینه آنها، بدون دخالت و حضور دولت ناممکن می‌باشد. پایه گذار دیدگاه خدمات عمومی فردی به نام دوگی است که بر این اعتقاد استوار می‌باشد که: خدمات عمومی واجد آنچنان ماهیتی بوده که قادر نیست به طور کامل به حقیقت بپیوندد مگر با دخالت نیروی حکومتی.

اهمیت و ارزش این حضور و دخالت تا آنجایی مهم و ضروری می‌باشد که عده‌ای مدعی گردیدند که خدمات عمومی، من جمله کارکردهای دولت‌ها به شمار می‌آید. همچنین خدمت عمومی مأموریت مهم اداره تلقی می‌گردد به این علت که مفهوم خدمات عمومی همیشه، همراه حضور و یک نوعی از دخالت دولت می‌باشد. دولت متصدی مستقیم خدمات عمومی بوده و یا در ارائه خدمات عمومی شرکت داشته یا بر ارائه خدمات عمومی نظارت عالیه اعمال می‌نماید.

باید بیان داشت که ارائه خدمات عمومی در نظامات متعدد سیاسی و حقوقی مبحث‌های گوناگونی را به خود مختص نموده و از ابعاد متعدد به نوعی می‌توان موضوع خدمات عادلانه عمومی را بررسی کرد و مورد تامل در نظر گرفت. بنابراین مسئله مهم در پژوهش حاضر این است که اصل منع تبعیض و عدم برابری و بی طرفی دولت چه جایگاهی در ارائه خدمات عمومی دارد؟ و آیا تحقق این امر مستلزم التزام دولت به امور دیگری هست یا خیر؟

۲- تبیین رویکرد تقنینی ایران نسبت به مقوله ی خدمات عمومی

بعد از جنگ دوم جهانی به علت تملک و نیز مدیریت اکثر صنایع ملی به واسطه دولت‌ها هزینه‌های بخش عمومی به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرد و دولت‌ها به تنهایی توان تامین هزینه‌ها را نداشتند؛ بدین ترتیب موضوع ناکارآمدی دولت در اداره خدمات عمومی مطرح گردید (شمس، ۱۳۹۹: ۱۲).

لذا این مسئله منتج به بازنگری اساسی در خصوص اداره خدمات عمومی گردید. عدم توانایی دولت‌ها در اداره‌ی عمومی و ارائه‌ی خدمات جدید و نوین اجتماعی موضوعات بسیار مهمی را در این خصوص ارائه کرد من جمله این موضوعات ایجاد مؤسسات عمومی و غیردولتی با هدف انجام دادن قسمت و بخشی از خدمات عمومی و نیز محول کردن و واگذاری بخشی از صنایع به بخش خصوصی به همراه دخالت دولت در راستای تنظیم کردن حوزه خدمات عمومی و بروز و پیدایش نهادهای مقررات‌گذار برای کنترل کردن و نظارت بر رفتار فعالان اقتصادی در حوزه‌هایی از خدمات من جمله برق و آب و انرژی و حمل و نقل و غیره است (شمس، ۱۳۹۹: ۴۲). بدین ترتیب خصوصی‌سازی که عبارت از حرکت به سمت اقتصاد بازار آزاد به واسطه توسعه بخش خصوصی و خصوصی نمودن مؤسسات اقتصادی عمومی باشد مورد تعریف قرار گرفت. که این امر معلول ناکارآمدی‌های صنایع ملی گردیده بود که بعد از جنگ دوم جهانی در اروپا حاصل گردید.

۲-۱- رویکرد قانون اساسی نسبت به خدمات عمومی

در کشور ما اگرچه به ظاهر مقدمه قانون اساسی دارای ارزش حقوقی نیست، ولی زمینه ساز تحقق اصول قانون اساسی به نحوی از انحا می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۹۵). لذا مقدمه، زمینه ساز و کمک کننده تفسیر اصول قانون اساسی به شمار می‌آید. در مقدمه قانون اساسی، بستر و زمینه‌های ایجاد حکومت و مبانی تدوین قانون اساسی آمده و راهنما و حاکم بر امور و شئون کشور است. بدین ترتیب به هیچ عنوان نمی‌توان برای دیباچه فوق‌الذکر، ارزشی را قائل نگردید. چرا که مقدمه‌ی فوق، نشان‌گر اصول اساسی و مهم جامعه‌ی ایران است. در رابطه با جایگاه نظریه خدمات عمومی در مقدمه قانون اساسی باید بیان نمود که وجود پاره‌ای از وظایف سنتی و ابتدایی دولت‌ها را در قالب خدمات سنتی و تکالیف اولیه می‌توان جستجو نمود. با وجود آنکه صراحتاً در متن مقدمه قانون اساسی و در قالب حقوقی بیان نگردیده است من جمله تکالیف فوق که در مقدمه مورد اشاره واقع شده است به نوعی می‌توان به مصادیقی نظیر تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی در راستای حفظ و حراست از مرزها به شکل ضمنی و تلویحی - ایجاد امنیت داخلی و خارجی "ارتش و سپاه" - ایجاد سیستم قضایی منصفانه و دستگاه رفع تظلمات و رسیدگی به دعاوی عموم مردم "قوه قضاییه" -

اجرا نمودن احکام و قوانین اسلامی "قوه مجریه" - قانونگذاری و نظارت بر قانون و مقررات "مقننه" - برطرف کردن نیازهای اقتصادی اشخاص و تامین امکانات برابر و اشتغال برای همگان و رفع کردن نیازهای لازم اشخاص اشاره نمود. اگرچه که مصادیق فوق در مجموع دارای صراحت حقوقی نیست. ولیکن می‌توان خدمات عمومی و سنتی از آنها را تفسیر کرد.

بدین سان بررسی جایگاه مفهوم خدمات عمومی در قانون اساسی که نشانگر اصول ناظر بر تکالیف و اختیارات سازمان‌های مجری خدمات عمومی بوده دارای اهمیت خاصی است. با توجه به مطالبی که عنوان شد در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود تعدادی از خدمات عمومی سنتی از جمله ارتش و نیروهای نظامی و قوای سه گانه و نظایر آن را می‌توان مشاهده و ملاحظه کرد. در این بخش سوالی که مطرح می‌شود آنکه آیا مفهوم خدمات عمومی در اصول قانون اساسی دارای جایگاهی است و مصادیق خدمات عمومی در اصول قانون اساسی کدام هستند؟ اصلی‌ترین خصوصیت و ویژگی سازمانی در مفهوم خدمات عمومی، مداخله‌ی دولت و انجام دادن خدمات به وسیله ایشان و یا با نظارت وی است.

لازم به ذکر است که این مسئله بدان معنا نبوده که کلیه فعالیت‌ها بایستی به شکل مطلق، آن هم به واسطه‌ی دولت و نهادهای حاکمیت صورت پذیرد بلکه اصلی‌ترین ویژگی آن به شمار می‌آید. به این علت که خدمات عمومی به عللی که در ذیل مطرح می‌گردد در سال‌های گذشته با معنا و مفهوم خصوصی‌سازی ارتباط تنگی پیدا نموده و نهادهای دیگری نظیر موسسات و سازمان‌های خصوصی و نهادهای از موسسات عمومی غیردولتی متولی انجام دادن خدمات بسیاری گردیده‌اند (پاکدامن، ۱۳۹۸: ۷۸). در هر حال از آنجا که انجام دادن فعالیت‌های مرتبط با خدمات عمومی به جهت توسعه وابستگی متقابل اجتماعی امری لازم به نظر می‌آید و همچنین واجد ماهیتی بوده که بدون دخالت نیروی حکومتی به ندرت می‌تواند کاملاً تحقق پیدا کند از این رو هنوز هم نظریه اساسی و مهم حقوق عمومی مدرن است و تحت عنوان روح و منبع الهام حقوق اداری مدرن، در نظر گرفته می‌شود (رضایی زاده، ۱۳۹۵: ۹۸). نقش دولت‌ها در رابطه مذکور غیر قابل انکار محسوب می‌شود به دلیل آنکه با برخورداری شدن از اختیارات قانونی‌شان، تلاش در تبعیت و سازماندهی ارتباطات اجتماعی داشته‌اند بالاخص، چنانچه داعیه‌ای نظیر دولت رفاهی و دولت خدمتگزار را دارا باشند وظیفه خود دانسته که انواع خدمات را همسو و هماهنگ با مقاصد توسعه رفاه و آسایش و بهروزی شهروندان مطرح کند.

از خدمات فوق الذکر که به نوعی می‌توانند گستره قابل ملاحظه‌ای از خدمات عمومی از آن آموزش و بهداشت و درمان - راهسازی و ایجاد اشتغال و ایجاد مراکز پژوهشی - آب و فاضلاب - تلفن - مساجد - سالن‌های نمایش - مخازن نفت و گاز و توسعه معادن و مصادیقی این چنین باشند می‌

توان نام برد. لذا، در دولت‌های مدرن بالاخص با رویکرد دولت رفاه خدمات فوق بدون شک از دولت انتظار می‌رفت. در صورتی که با گرایش‌ات چند دهه گذشته به خصوصی‌سازی، تا حد و اندازه‌ای جریان مزبور متوقف شده و سیر معکوس به خود گرفته است (پاکدامن، ۱۳۹۸: ۸۹).

با این وجود دولت‌ها با وجود کاهش تصدی شان - تحت عنوان یک ابزار جایگزین بر وسعت فعالیت‌های تنظیم کننده، مقررات‌گذاری و نظارتی خود افزوده‌اند. اما باید بیان داشت که با کلیه شعارهایی که برای واگذاری امور مردم به خود آنها داده شد در کشورهای پیشرو در امر خصوصی‌سازی و مبتنی بر نظام اقتصاد بازار آزاد و سرمایه‌داری - این نقش دولت همچنان حفظ شده است و فقط روش‌های آن تغییر پیدا کرده است (هداوند و آقای طوق، ۱۳۸۹: ۹۳). در حقوق ما، نظریه‌ی خدمات عمومی از مهم‌ترین مبانی وجود دستگاه اداری دولت است و فلسفه‌ی وجودی دولت، ارائه خدمات عمومی تلقی می‌گردد.

شایان ذکر است که مفهوم مذکور در متن قانون اساسی به طور عمده در اصل سوم "مقاصد و اهداف جمهوری اسلامی ایران" - اصل بیست و نهم "تامین اجتماعی و خدمات بهداشت و درمانی و بیمه و غیره" - اصل سی‌ام "آموزش و پرورش رایگان" - اصل چهل و سوم "تامین نیازهای مهم انسان مانند مسکن پوشاک خوراک و غیره" - اصل چهل و چهارم "بخش‌های سه‌گانه اقتصادی و نظام اقتصادی" - خلاصه می‌گردد (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

از طرفی نیز می‌توان مفهوم سنتی خدمات عمومی و کارکردهای سنتی دولت‌ها را در اصل پنجاه و هفتم: قوای سه‌گانه حاکم - هفتاد و یکم و پنجاه و هشتم: قوه مقننه - ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۹: قوه قضاییه - ۱۴۳ و ۱۷۶: ارتش و شورای عالی امنیت ملی شناسایی نمود.

در خصوص ایجاد و حذف خدمات عمومی در قانون اساسی می‌بایست بیان نمود برابر و مطابق اصل قانون اساسی ایجاد خدمات عمومی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی می‌باشد که به نوعی می‌تواند به پیشنهاد دولت و یا طرح نمایندگان باشد. دلیل آنکه قانون اساسی ایجاد چنین خدمات را به تصویب مجلس موکول نموده است آن می‌باشد که این مسئله در حقیقت تجاوز و تعرض به بخش خصوصی و در نهایت محدود نمودن آزادی‌های شخصی بالاخص آزادی بازرگانی و صنعت و کار می‌باشد.

در مورد خدمات عمومی معین گردیده در قانون اساسی، قوه موسس و یا بازنگری فقط مقام شایسته برای ایجاد و یا حذف آن می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

۲-۲- رویکرد قوانین عادی نسبت به خدمات عمومی

علیرغم اینکه مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم نوظهور در حقوق اداری از حیث تعمیمی می باشد، لذا این موضوع صراحتاً در قوانین و مقررات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در قانون برنامه سوم توسعه مصوب سال ۱۳۷۹ بر لزوم خصوصی سازی به واسطه کاستن تصدی های دولت و تقویت نمودن اعمال حاکمیت و نظارت آن در بستر و زمینه توسعه مشارکت عموم مردم - بخش خصوصی و تعاونی ماده دوم، و واگذاری سهام شرکت های دولتی و مدیریت آن در جهت توسعه توانمندی بخش های خصوصی و تعاونی طی ماده ۹ تاکید شد. بعد از آن قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۸۷ مجلس شورای اسلامی در فصل ۲ خود، قلمرو فعالیت های بخش های دولتی و غیردولتی را معین ساخت و بر خصوصی سازی بسیار تاکید کرد.

با این حال این چنین به نظر می آید بخشی از معضلات مانع راه خصوصی سازی در کشور ما، نشأت گرفته از تنظیم کردن بازار بعد از محول نمودن بخش های متعدد بالاخص خدمات عمومی به بخش خصوصی و نقشی بوده که نهادهای مقررات گذار در این رابطه اجرا می نمایند (شمس، ۱۳۹۲: ۶۱). از نمونه های نهادهای مقررات گذار در حوزه خدمات عمومی در حقوق ما به نوعی می توان به سازمان تنظیم کردن مقررات و ارتباطات رادیویی - هیات تنظیم بازار برق اشاره نمود که دو نهادی که در سال های اخیر با هدف تنظیم کردن بازار در حوزه ارتباطات و برق ایجاد گردیدند و به مقررات گذاری در حوزه خدمات مرتبط با ارتباطات و صنعت برق پرداخته اند. در خصوص موسسه ها و نهادهای عمومی و غیردولتی هم، ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری آورده است که: «موسسه و یا نهاد عمومی غیردولتی واحد سازمانی معین و مشخصی بوده که واجد استقلال حقوقی می باشد و با تصویب مجلس شورای اسلامی به وجود آمده و بیش از ۵۰ درصد بودجه از محل منابع غیردولتی مورد تامین قرار می گیرد و وظایف و خدماتی را عهده دار بوده که بعد عمومی داشته است».

من جمله نهادهای مذکور به مصادیقی نظیر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جمعیت هلال احمر و جهاد دانشگاهی و از این دست می توان اشاره کرد. از طرفی نیز نهادهایی که تحت عنوان نظام های حرفه ای مورد شناسایی قرار می گیرند نظیر کانون وکلای دادگستری - نظام پزشکی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری و منجمله موسسات تلقی می گردند که اگرچه تحت عنوان موسسه عمومی غیردولتی مورد شناسایی قرار نمی گیرند اما با در نظر گرفتن معیار و ملاک ها و ضابطه هایی که قانون مدیریت خدمات کشوری ایجاد نموده می توان آنها را بخشی از این موسسات در نظر گرفت که زیر نظر دولت جای گرفته اند و پاره ای از تصمیمات آنها می بایست به تصویب

مقامات دولت رسد (حسینی پور اردکانی، ۱۳۹۷: ۸۷). بنابراین نظارت بر این نهادها نظارت از نوع قیمومتی تلقی می‌گردد.

۳- اصول حاکم بر خدمات عمومی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصول حاکم بر خدمات عمومی به باور عده‌ای، مبنای مهم حقوق اداری هستند و هدف خدمات عمومی، تامین کردن نیازهای همگانی و حفظ منافع عمومی می‌باشد؛ بدین ترتیب خدمات عمومی بر یک سری اصول استوار بوده که این اصول مهم، اساس حقوق اداری را ایجاد می‌سازند (امامی، ۱۳۹۹: ۴۱). در ادامه اصول حاکم بر خدمات عمومی در قانون اساسی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۳-۱- اصل برابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی

اصل برابری که از اساس و مبنای حائز اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی است، هدف حمایت از حقوق شهروندان می‌باشد (ویژه، ۱۳۹۳: ۲۳۴). بر اساس اصل برابری و یا تساوی خدمات عمومی تمامی اقشار در جامعه می‌بایست از خدمات عمومی آن هم به شکل منصفانه برخوردار گردند و هیچ نوع تبعیض و عدم برابری در میان اشخاص مشاهده نشود و وجود نداشته باشد. با در نظر گرفتن مطالبی که عنوان شد و با توجه به توضیحی که از مفهوم برابری در خدمات عمومی بیان گردید اصل بی‌طرفی از توابع و نتایج اصل برابری تلقی می‌گردد. (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

بدین ترتیب اصل برابری در قانون اساسی جمهوری اسلامی در چند اصل مورد مذاقه واقع شده است که من جمله اصول مذکور اصول: ۳ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۹ - ۳۰ می‌باشد. اصول فوق‌الذکر به برابری شهروندان در نمودهای متعدد آن اشاره داشته است. اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع برابری کلیه شهروندان در مقابل همه حقوق اقتصادی و انسانی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اشاره داشته و تمامی مردم را در برخوردار شدن از همه حقوق، برابر و مساوی در نظر می‌گیرد (مدنی، ۱۳۸۹: ۷۶). مطابق با اصول مورد بحث، عموم مردم در کشور ما از هر قوم و قبیله‌ای که باشند برخوردار از حقوق مساوی هستند و زبان و رنگ و نژاد و همانند این موارد به عنوان امتیاز در نظر گرفته نمی‌شود.

همچنین تمامی اشخاص ملت چه مرد چه زن، برابر و یکسان از حمایت قانون هستند و از کلیه حقوق انسانی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی با رعایت کامل موازین اسلام برخوردار می‌باشند (امیرارجمند، ۱۳۹۱: ۶۰).

۳-۲- اصل برابری در مقابل تحمیلات برخاسته از امر عمومی

همانگونه که در برخورددار شدن از خدمات منافع و مزایای عمومی کلیه مردم برابر و مساوی می باشند [وجه ایجابی] در مقابل خسارت و زیان های عمومی یا اموری که غیر مطلوب به شمار می آیند هم قاعده فوق اعمال می گردد و می بایست مورد رعایت قرار بگیرد (دادگر، ۱۳۹۶: ۷۶). بر همین مبنا هزینه و تحمیلات برخاسته از امر عمومی بایست به نحوی مساوی و برابر مردم را تحت تاثیر قرار بدهد که نمونه هایی از چنین موردی در ادامه بیان می گردد:

• تبعیض و عدم برابری در ارزیابی مدارک دانشگاهی مصوبه استخدامی سازمان تامین اجتماعی من جمله رای شماره ۱۷۲۰ مورخ سال ۱۳۸۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رابطه با ابطال مصوبه شماره مورخ سال ۸۱ سازمان تامین اجتماعی که اداره تامین بر مبنای آن رفتاری تبعیض و عدم برابری آمیز در ارزیابی مدارک دانشگاهی داشته است.

• تبعیض و عدم برابری در استخدام دولتی: رای شماره دادنامه ی ۹۳ در سال ۸۷ در پرونده کلاسه و رای شماره ۳۲۶ مورخ سال ۸۶ دیوانه عدالت اداری.

تبعیض و عدم برابری در کنکورهای دانشگاهی و امتیاز ویژه در آزمون دستیاری پزشکی مورخ ۱۳۸۷ به شماره دادنامه ی ۴۰۸ در پرونده کلاسه

رای مورخ سال ۸۲ به شماره دادنامه ۱۶ در پرونده کلاسه رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

۳-۳- اصل تداوم و یا استمرار خدمات عمومی

این اصل در راستای ضرورت و جوابگویی به نیازهای عمومی به صورت همیشگی تلقی می گردد و در رابطه با مصادیقی نظیر امنیت و خدمات بهداشتی درمانی و غیره، دارای اهمیت خاصی بوده است. جواب مداوم به نیازهای عمومی به صورت تعطیل بردار نبوده و یک تکلیف بر ذمه ی مقامات عمومی در نظر گرفته می شود (پژویان، ۱۳۹۲: ۶۷). لذا هرگونه قطع و وقفه در خدمات عمومی در زندگی عموم مردم، سبب ایجاد اضطراب و به هم خوردن آرامش آنها تلقی می گردد.

- آثار و نتایج اجرای اصل تداوم خدمات عمومی: این چنین بایستی در ابتدای این بحث بیان نمود در صورتی که به واسطه یک نهاد، خدمت عمومی ارائه نگردد - در مراجع قانونی، قابلیت پیگیری دارد و به عنوان تخلف در نظر گرفته می شود (عباسی، ۱۳۹۹: ۷۶). لذا مستخدمان نهادهایی که خدمات عمومی را برای عموم مردم در جامعه ارائه می نمایند از دستورالعملی خاص تبعیت کرده و آن را اجرایی می کنند. به طور نمونه کارمندی که هدف رفتن به مرخصی را داشته است بایستی

چنین امری را به رئیس مربوطه اظهار نماید و در این رابطه برگه مرخصی کسب کند (امامی، ۱۳۹۲: ۸۷).

۳-۴- اصل سازگاری و یا انطباق خدمات عمومی

شرایط و مقتضیات زمان در هر جامعه‌ای ایجاب می‌سازد که سازمان‌های اداری و نهادهای عمومی خدمات خود را بر مبنای شرایط کنونی ارائه و تصمیمات جدیدی اتخاذ نمایند (موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۵). لذا به نوعی می‌توان از معنا و مفهوم پاره‌ای از اصول اصل فوق را برداشت نمود. همچون "لزوم استفاده از علوم و فنون و تجربه‌های پیشرفته" بند ششم اصل دوم قانون اساسی. یکی از نتایج اصل سازگاری خدمات عمومی را به نوعی می‌توان وظایف دولت در رابطه با ایجاد اشتغال برای اشخاص مطابق با نیازهای جامعه باشد.

۳-۵- اصل تقدم خدمات عمومی

اصل مذکور در جهت اجرا نمودن خدمات عمومی و همگانی به واسطه دولت ارائه گردیده و بر اساس آن، دولت از امتیازات برخاسته از قدرت عمومی یا امتیازات نشأت گرفته از حقوق عمومی برخوردار می‌گردد. امتیازات مذکور ضرورت و لازمه اجرا و انجام دادن تکالیف دولت تلقی می‌گردد. به دلیل آنکه هدف از اعمال و وظایف دستگاه اداری حفظ منافع و مصالح عمومی و ارائه نمودن خدمات عمومی بوده است. لذا بر مبنای اصل مورد بحث به دلیل آنکه خدمات عمومی به عموم مردم در جامعه تعلق دارد و همچنین منافع آن به کلیه اشخاص می‌رسد مقنن در راستای حفظ منافع عمومی در مقابل منافع خصوصی، برای دولت حق تقدمی در نظر گرفته است و به آن یک سری امتیازات اعطا نموده که هیچ فردی به جز وی حق استفاده از آنها را نداشته است. لذا اصل تقدم نظیر اصل سازوکاری و تداوم خدمات عمومی صراحتاً در متن قانون اساسی آورده نشده است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۸۶).

در صورتی که وجود یک سری مفاهیم نظیر حقوق عمومی: اصل بیست و چهارم - مصالح عمومی: اصل بیست و هشتم - منافع عمومی: اصل چهارم - در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند یک گزینه بر اهمیت و تقدم خدمات عمومی بر منافع خصوصی به شمار آید. اصلی‌ترین اصلی که در این رابطه وجود دارد اصل ۴۰ قانون اساسی می‌باشد. بر اساس اصل فوق الذکر هیچ احدی قادر نخواهد بود اعمال حقش را توسط اضرار به دیگری و یا تجاوز نمودن به منافع عمومی قرار بدهد.

بدین ترتیب با در نظر گرفتن اصل مذکور اهمیت منافع عمومی و تقدم خدمات عمومی آشکار می‌گردد. از طرفی نیز مطابق با اصل بیست و هشتم هر فردی این حق را دارد تا حرفه و یا شغلی را که به آن تمایل داشته است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق سایر افراد نباشد انتخاب کند. می‌توان بیان نمود که مفهوم مصلحت عمومی مندرج شده در همین اصل با مفهوم خدمات و منافع عمومی مورد نظر قرابت مفهومی داشته است.

۳-۶- اصل رایگان بودن خدمات عمومی

باید بیان داشت که جای شک و تردید بوده که اصل رایگان بودن خدمات عمومی تحت عنوان یکی از اصول حاکم بر خدمات عمومی به شمار آید و یا خیر. به دلیل آنکه فقط عده‌ای از حقوقدانان از آن، تحت عنوان اصل حاکم بر خدمات عمومی نام برده‌اند. من جمله حقوق دانان مذکور هوریو است ایشان اعتقاد داشت که خدمات عمومی بایست به صورت رایگان باشد. در قانون اساسی خدماتی که به صورت رایگان هستند فقط خدمات مرتبط با آموزش و پرورش به شمار می‌آیند که در اصل ۳ بند ۳ و ۳۰ به آن اشاره گردیده است.

۴- چالش‌ها و مخاطرات تبعیض و عدم برابری در ارائه خدمات عمومی

سیاست گسترش حقوق آزادی‌های اساسی تامین حقوق مالکیت به شکل مشخص و محرز: امکان محقق شدن عدالت اجتماعی بدون رشد اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به دلیل آنکه یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت اهمیت دادن به حقوق مالکیت بوده و چنانچه درآمد از یک مجموعه گرفته شود و به یک گروه دیگر افزوده شود این انتقال دستوری ثروت، موجب اخلاص در نظام اقتصادی خواهد گردید و انگیزه کار و تلاش را در اجتماع به طرز چشمگیری می‌کاهد (زرگوش، ۱۳۸۹: ۸۷). مهیا ساختن فرصت‌های برابر و مساوی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بدین معنا نبوده که تنها درآمد برابری را برای قشر متعدد در جامعه مهیا سازد بلکه دولت بایستی کلیه سعی و کوشش را به انجام رساند که فردی به حق شخص دیگری تجاوز ننماید (چقایی، ۱۳۹۱: ۸). ذیلا برخی از مهمترین چالش‌ها و مخاطرات تبعیض و عدم برابری در ارائه خدمات عمومی را بررسی می‌کنیم:

۴-۱- بیکاری و محرومیت‌ها و معضلات و مشکلات اقتصادی

کار و تلاش راهی برای به کارگیری استعدادها و توانمندی‌ها به شمار می‌آید. روشی در جهت تحصیل درآمد، به زیستی، ارائه خدمات اجتماعی، تامین سلامت در زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌گردد. مجموعه ای از برنامه‌های غلط اقتصادی و سیاست‌های جمعیتی و سنن فرهنگی

و استنباط‌های نادرست از روش‌های کسب و درآمد ، تامین زندگی ، مهاجرت و کمبود مهارت‌های فنی به پدیده بیکاری ختم می‌شود که در نهایت منجر به مشکلات اقتصادی و اجتماعی خواهد شد (مطهری، ۱۳۹۵: ۹۹).

لذا جامعه‌ای که نیروی انسانی مازاد بر اشتغال داشته باشد و یا تحصیل درآمد بدون کار و تلاش اقتصادی و از مسیر کاذب امکان‌پذیر گردد - بحران‌هایی در آن رشد پیدا می‌نمایند و به فسادهای اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی دچار می‌گردد. به همین علت بوده که در تعلیم اسلامی حرفه و شغل گذشته از بعد اقتصادی و درآمدزایی کاملاً سالم، برای سلامت جامعه و زیست مطلوب است و به عنوان وظیفه دینی در نظر گرفته می‌شود. مقام معظم رهبری مشکل مهم من جمله نیاز و مطالبات واقعی شهروندان را اشتغال، بیان می‌نماید و یکی از علل و عوامل موثر در برطرف کردن ناعدالتی و محرومیت را مبارزه با بیکاری و ایجاد اشتغال دانستند. از نظر ایشان اتکای مهم و اصلی دولت بایستی موضوع اشتغال جوانان باشد. به علت آنکه پدیده بیکاری فاصله میان طبقات فقیر و غنی را بسیار بیشتر خواهد کرد و جمعی را به دره فقر می‌کشاند و در برابر تعدادی به سوی ثروت رهسپار می‌شوند. در مجموع می‌بایست بیان نمود که از دیدگاه رهبر انقلاب، بیکاری نبایستی موجب محرومیت از خیرات جامعه گردد. بدین ترتیب یکی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بالا بردن سطح عمومی اشتغال است (گرچی، ۱۳۹۷: ۷۶).

۴-۲- تورم و کاهش ارزش پول ملی

سعی و کوشش به جهت رفع تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم درآمد در جامعه از سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه بود و در برنامه چهارم بر مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های کم درآمد و کاهش چشمگیر فاصله میان دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه - و همچنین بر اجرای سیاست‌های مطلوب جبرانی تاکید گردیده است. رهبر انقلاب اسلامی بر ضرورت یک رقمی نمودن نرخ تورم تاکید کرده است و اصلاح قوانین مربوطه را در راستای مهار تورم، امری ضروری به شمار آوردند. (دادگر، ۱۳۹۶: ۱۹)

- استفاده‌ی نادرست از سرمایه‌ها و منابع: استفاده کردن غیر بهینه از امکانات و منابع بدون شک به انواع وابستگی‌ها خواهد انجامید و عقب ماندگی و فقر را ایجاد می‌سازد.

باید بیان نمود که استفاده نادرست از بیت‌المال مضاف بر آنکه یک نوع اسراف است، یک سری پیامد بسیار مهم در پی دارد. پیامد مذکور عبارت می‌باشد از فرهنگ سازی این مسئله در جامعه و چنین پیامدی خطرناک می‌باشد. به علت آنکه حرکت درست اجتماع را تغییر خواهد داد. مضاف بر

آن زمینه‌های ناامیدی عموم مردم را مهیا می‌نماید. پس بایستی با استفاده غیر اصولی از بیت المال تحت عنوان فساد، به مبارزه پرداخت. (گرجی، ۱۳۹۷: ۱۶)

۴-۳- روابط ناسالم میان قدرت و ثروت

مطابق با تعالیم اسلامی هیچ احدی حق نداشته است در راستای تحصیل قدرت به هر ابزار و وسیله‌ای متمسک گردد به دلیل آنکه در چنین شرایطی قدرت به دست آمده قدرتی ظالمانه و غیر مشروع به شمار می‌آید "بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران سال ۷۹". از نظر رهبر انقلاب اسلامی استفاده غیر مشروع از خدمات، ثروت و مقام برای به دست آوردن قدرت جایز نبوده است.

ضرر عمده‌ی فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی آن بوده که پول در خدمت قدرت و قدرت در خدمت پول است و دور باطلی ایجاد شده است. در نظام اسلامی به کارگیری قدرت در راستای تحصیل پول از عمده‌ترین جرایم است. رهبری هم به نامزدهای انتخابات سفارش می‌کند که خود را وام‌دار قدرتمندترین افراد و یا ثروتمندترین آن قرار ندهند. به علت آنکه در چنین شرایطی این فرد بایستی منافع آن اشخاص را تامین سازد و از تامین مصالح ملت و دلسوزی برای آنها باز خواهد ماند "بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران سال ۸۲".

۴-۴- عدم اولویت دادن به امور اقتصادی با اهمیت‌تر در تنظیم سیاست‌ها

حقوق منصفانه اشخاص یکی از موارد نظام منصفانه در جامعه به شمار می‌آید و از دیگر موارد، ارائه منصفانه خدمات - رعایت امنیت - رعایت اولویت‌ها در هزینه کردن بوده است. مقام معظم رهبری در این رابطه اعتقاد داشتند که صرف مفید بودن یک عمل مجوز مبادرت به آن نبوده بلکه آن عمل بایستی دارای اولویت باشد. در ادامه وی دو مورد را در اولویت برنامه‌های اقتصادی در نظر گرفتند که به قرار ذیل است:

° حل و فصل معضلات اقتصادی عموم مردم و حفظ امید آنها "بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی سال ۷۹"

° برطرف کردن محرومیت به سود و نفع ایجاد عدالت "بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سال" (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۱)

۴-۵- بروز و تشدید فاصله طبقاتی

زمانی که خدمات به شکل منصفانه در میان عموم مردم توزیع نگردد - دولتمردان در زندگی فردی - اجتماعی‌شان از مردم فاصله می‌گیرند و چنین می‌باشد که شکاف عمیقی میان آنها ایجاد

می‌گردد. آنان بایستی ساده زیست باشند و الگویی مناسب برای همگان قرار بگیرند. پذیرش مسئولیت و مدیریت نهادها و بخش‌های متعدد در جامعه ابزاری در جهت خدمت بوده و برای غارت و یا امتیاز طلبی آنها قرار گرفته نشده است (شعبانی، ۱۳۹۰: ۸۹).

لذا ایجاد فرصت‌های برابر و یکسان برای عموم مردم از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به شمار می‌آید "ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به واسطه مقام معظم رهبری سال ۸۴". بنابراین اهمیت برخوردار شدن منصفانه از امکانات جامعه از آن نظر مهم بوده که فقط در چنین فضایی است که عامه مردم توانایی رسیدن به مقاصد والای نظام اسلامی یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی را دارند. "بیانات در اجتماع مردم جیرفت سال ۸۴" (گرچی، ۱۳۹۷: ۸۹).

۵- راهکارهای تحقق منع تبعیض و عدم برابری و اصل بی طرفی در ارائه خدمات

عمومی توسط دولت

سیاست‌های توانمندسازی مضاف بر بسط و گسترش خدمات اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت و غیره دربرگیرنده‌ی سایر مواردی مانند افزایش سطح اشتغال پایدار در جامعه و سعی و کوشش به جهت بسط و گسترش آموزش‌های فنی حرفه‌ای است. توسعه بیمه‌های اجتماعی تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های کم درآمد در راستای مقابله با تداوم پدیده فقر و تلاش و کوشش در راستای حفظ و نگهداری محیط زیست - سیاست مستقیم کاهش فقر - باز توزیع درآمد این سیاست به واسطه اصلاح سلسله ساختار مالیاتی - اصلاح نظام یارانه‌ای و اصلاح ساختار هزینه دولت گسترش تامین اجتماعی مهیا می‌شود.

۵-۱- تامین نمودن کالاها و خدمات مهم و اساسی در جامعه

تامین خدماتی نظیر بهداشت و درمان - آموزش - بهزیستی - مهیا ساختن بسترهای مادی - معنوی و حفاظت از محیط زیست من جمله آنها هستند. سیاست‌های مثبت در این خصوص، تقویت رقابت در بازار جلب مشارکت عمومی - دولت همراه در بازار نه دولت تنها در بازار است. مدیریت درست اطلاعات در بازار - ممانعت از رانت‌جویی اطلاعاتی - واگذاری تعیین قیمت به بازار و عدم دخالت مستقیم دولت در این رابطه - تشویق حفظ اشخاص شایسته و ایجاد انگیزه در آنها - تلاش به جهت توسعه بازارهای مالی و بیمه‌ای و غیره، عدم حمایت از اشخاص غیر مولد - دسترسی به محاکم قضایی سریع و ارزان و دقیق و شفاف، سیاست توانمندسازی بسط و گسترش خدمات اجتماعی - بسط و گسترش اشتغال به واسطه فعال کردن اقتصاد - گسترش

آموزش‌های فنی حرفه‌ای - بیمه‌های اجتماعی - تأسیس جذب حمایتی برای گروه‌های فقیر و سالمند و ناتوان - تأمین اجتماعی سلامت و محیط زیست ممانعت از آلودگی‌های زیست محیطی در تأمین توانمندی‌های عموم مردم موثر است. یکی از اصلی‌ترین طرق توانمندسازی، توسعه منابع انسانی، به شمار می‌آید (رستگار جو، ۱۴۰۰: ۸۹).

۵-۲- توسعه منابع انسانی و تعمیم آموزش

اکثر کشورها بالاخص کشورهای آسیای جنوب شرقی، ژاپن و... حاکی از آن هستند که اصلی‌ترین علل توسعه کشورهای مذکور توسعه منابع انسانی بوده است. بنابراین آموزش تحت عنوان یکی از مناسب‌ترین طرق توسعه منابع انسانی از یک سو توانمندی بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر زمینه‌های رشد اقتصادی در جامعه را مهیا می‌سازد و همچنین با ایجاد توانمندی‌های مهارتی، به توزیع بهتر درآمد منتج خواهد شد. لذا چرخه فقر را متوقف می‌سازد (رضایی زاده و کاظمی، ۱۳۹۸: ۷۰).

آموزش فرایند رقابت را تسهیل می‌نماید به دلیل آنکه امکان مشارکت عموم مردم را در فرایند تولید موثر بالا می‌برد. کودکی که در یک خانواده فقیر متولد می‌شود چنانچه آن خانواده فاقد سواد باشند و این کودک نیز همانند خانواده‌اش بی‌سواد ماند، چرخه فقر بدین صورت شدت پیدا می‌کند. به همین علت آموزش سبب توقف و یا به حداقل رساندن پدیده فقر می‌گردد.

چنانچه کودکی در یک خانواده کم درآمد و فقیر از فرصت‌های اجتماعی آموزش و بهداشت و غیره برخوردار گردد شانس بالاتری خواهد داشت که به گروه اجتماعی بالاتری نیز دست یابد. همچنین آموزش سبب افزایش بهداشت عمومی، کنترل جمعیت، فقر زدایی، رفع ناهنجاری‌ها، ناملایمات اجتماعی و در نتیجه توسعه پایدار می‌شود (هزار جریبی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

باید بیان داشت که هدف از بسط و گسترش آموزش و یا بهداشت به واسطه دولت آن نبوده که دولت تمامی بخش‌های آموزش را در اختیار داشته باشد بلکه آموزش غیر دولتی به نوعی می‌تواند در کنار آموزش دولتی به فعالیت بپردازد. افرادی که تمایل داشته به هر علت کودکان را در آموزش غیر دولتی ثبت نام نمایند - حق انتخاب چنین موردی را دارند. باید بیان نمود که وظیفه دولت آن بوده که مراقب باشد کودک و یا نوجوانی به علت پدیده فقر اقتصادی خانواده محروم از امکانات آموزشی نگردد و از امکانات تحصیل رایگان برخوردار شود (ویژه، ۱۳۹۳: ۹۰).

۵-۳- منع و رفع تبعیض و عدم برابری ناروا در تقنین و اجرا

قانون اساسی ایران در اصل ۳ دولت را مکلف ساخته است که در راستای محقق شدن مقاصد اصل ۲، کلیه امکاناتش را به کار بگیرد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۴: ۹۰). رفع تبعیض و عدم برابری ناروا از امکانات و مقدماتی می‌باشد که در بند ۹ اصل ۳ آمده است.

لذا بدین واسطه دولت می‌بایست در راستای رفع تبعیض و عدم برابریات ناروا و برقراری امکانات منصفانه برای همگان در کلیه زمینه‌های معنوی - مادی به تلاش و کوشش بپردازد. اصل فوق در راستای دارا بودن مفاهیم عدالت و انصاف، واجد وسعت استنادی بسیار وسیع و تضمین مناسب و ایده‌آل به جهت منع اجرای تبعیض و عدم برابری ناروا است.

لذا باید بیان داشت که شورای نگهبان در بسیاری از موارد در راستای تضمین نمودن منع اجرای تبعیض و عدم برابری ناروا به همین بند از اصل ۳ استناد جسته است. شورای نگهبان در اکثر دیدگاه‌ها و نظریات برای ممنوعیت تبعیض و عدم برابری ناروا به بند نهم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استناد نموده است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۴: ۹۰). شورای نگهبان در نظریه بررسی طرح قانونی اصلاح ماده ۱ قانون برقراری حقوق وظیفه و مستمری نمایندگان مجلس شورای اسلامی و عائله تحت تکلف آنها در برابر سوانح برخاسته از مسئولیت خطیر نمایندگی تبصره سوم همین طرح را که حقی برای نمایندگان بیرون از هدف اولیه قانون فوق بیان نموده تا بدین واسطه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شرایطی که مستخدم دولت و یا بازنشسته نباشند - یا بعد از اتمام دوره نمایندگی امکان استخدام نباشد - حقوق بازنشستگی ماهیانه بر اساس سنوات دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، هر سال یک روز حقوق برای آن‌ها، در نظر گرفته می‌شود. مغایر برابری و تساوی با اشخاص مستخدم دولت دانسته و اجرای آن را تبعیض و عدم برابری ناروا می‌داند. شورای نگهبان در نظریه دیگری که در بررسی طرح تعیین تکلیف زمین شرکت تعاونی نمایندگان و کارکنان مجلس شورای ملی منحل، بند الف را از این نظر مغایر بند ۹ اصل ۲ می‌داند که بند الف همین طرح کلیه آن بخش از زمین را که بر اساس کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری موات تشخیص داده شده است در دسترس شرکت تعاونی مسکن کارکنان مجلس شورای اسلامی قرار داده است (ویژه، ۱۳۹۳: ۸۹). لذا اعطا نمودن بخش‌هایی از زمین موات به شرکت تعاونی کارکنان مجلس شورای اسلامی، مغایر با برقراری امکانات منصفانه برای همگان به شمار می‌آید.

شورای نگهبان در بررسی نهایی، هنگامی طرح مذکور را مورد تایید قرار داد که به جای جمله‌ی [آن قسمت از زمین] از جمله [به مقدار نیاز از زمین] استفاده و مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی واقع شد تا بدین واسطه بتوان از زمین‌های موات مزاد بر نیاز در آینده در بخش‌های دیگر استفاده

شود. طرح الحاق چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان و انتخابات مجلس مصوب سال ۶۵ و الحاق یک تبصره به ماده ۲۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۷۸ در تبصره ماده ۲ همین طرح آمده و ناظر شورای نگهبان در شعبات اخذ رای به ممهور کردن برگ رای به مهر نظارت مکلف می‌باشد و همچنین تخلف از چنین مسئله‌ای به عنوان جرم در نظر گرفته می‌شود و فرد متخلف به مدت زمان سه ماه الی ۶ ماه حبس می‌شود (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۹۰).

شورای نگهبان در نظریه‌ی شماره‌ی در سال ۱۳۷۸ در بررسی کردن طرح فوق تبصره را از این لحاظ مغایر بند نهم اصل ۳ مطرح نمود که تنها عمل، ناظرین را در این رابطه، به عنوان جرم در نظر گرفته است. شورای نگهبان در نظریه شماره‌ی ۲۰۷۹۹/۱۲/۸۵ در سال ۱۳۸۵ در بررسی طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، تبصره الحاقی سوم به ماده ۲۸ را بیان می‌کند:

تمامی افرادی که سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی داشته‌اند از شرط فوق در بند چهارم مستثنا هستند - تبعیض و عدم برابری ناروا و مغایر بند نهم اصل ۳ قانون اساسی به شمار می‌آید.

می‌توان علت و دلیل شورا را با در نظر گرفتن اصلاحیه مجلس که مورد تایید شورا واقع شده است چنین در نظر گرفت که نمایندگانی که یک روز سمت نمایندگی داشته را از شرط فوق در بند ۴ معاف دانست. تبصره از این نظر تبعیض و عدم برابری آمیز به شمار می‌آید که هدف از نگارش قانون مذکور یعنی بند ۴ ماده ۲۸، را که کسب فهم بالای امور کلان سیاسی بوده را حذف کند و از بین ببرد و آن دسته از نمایندگانی که حتی یک دوره و یا چند دوره سمت نمایندگی داشته با نمایندگانی که مدت زمان کمتری دارای این سمت بودند را برابر در نظر بگیرد. لذا به نوعی می‌توان در این خصوص به مشروح مذاکرات شورای نگهبان در بررسی طرح تفسیر ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره نمود.

از آنجایی که تبصره سوم ماده ۲۸ قانون انتخابات ناظر بر احتساب یک دوره نمایندگی برابر با یک مقطع تحصیلی قاعده خلاف اصل به شمار می‌آید و در قاعده خلاف اصل، به هیچ عنوان نمی‌توان به اطلاق حکم استناد جست و بایستی به قدر متیقن بسنده گردد. در نهایت قدر متیقن در این خصوص، گذراندن یک دوره ۴ ساله نمایندگی تلقی می‌گردد (نبویان، ۱۳۹۸: ۱۴).

بدین شکل توسعه دوره نمایندگی کمتر از ۴ سال با اصول مغایر است و در یک استدلال دیگر آمده است که اطلاق حضور در مجلس شورای اسلامی اعم از کلیه دوره ۴ ساله و یا بخشی از این دوره و برابر در نظر گرفتن دوره نمایندگی کامل با دوره نمایندگی کمتر از ۴ سال - موجب تبعیض و عدم برابری بین نمایندگان می‌گردد و برخلاف عدالت به شمار می‌آید. بدین شکل این مصوبه مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رفع تبعیض و عدم برابری ناروا و ایجاد امکانات

منصفانه برای همگان در کلیه زمینه‌های معنوی و مادی در نظر گرفته می‌شود (کوهی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷).

۵-۴- حمایت برابر و یکسان از کلیه مردم در بهره‌مندی از خدمات عمومی

اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه اشخاص چه مرد چه زن را به صورت برابر در مقابل قانون در نظر گرفته و حقوق انسانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را با رعایت کامل موازین اسلامی برای همگان برابر می‌داند.

اصل فوق مذکور در جهت دیگر اصل ۱۹ "برخوردار شدن از حقوق برابر کلیه اشخاص ملت و گروه‌ها" بیان از حمایت برابر و یکسان قانون از شهروندان است و آنکه در شرایط برابر حمایت نابرابر قانون از یک گروه را ممنوع اعلام نموده است که با در نظر گرفتن بند آخر همین اصل، دامنه و وسعت این اصل موازین اسلام بیان گردیده است.

در قیاس اصل فوق، بند ۹ اصل ۳ و اصل ۱۹، به وسعت بند ۹ اصل ۳ اشاره نشده ولیکن اصل ۱۹ به جهت اهمیت موضوع حمایت حقوقی، بیشتر مد نظر شورای نگهبان می‌باشد (کوهی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶). شورای نگهبان در بررسی ماده واحده مرتبط با اموال متولیان و متهمان خارج از مرز کشور اعلام نمود که لایحه مذکور، به تمامی اشخاصی که به هر شکل پیش و یا پس از به پیروزی رسیدن انقلاب به خارج از کشور متواری شده و یا در خارج مقیم گردیدند به مدت زمان دو ماه فرصت و مهلت اعطا می‌گردد که در راستای تعیین تکلیف اموال خود در کشور شخصاً، به دادسرای کل انقلاب رجوع کنند؛ و در غیر این صورت به دادستانی کل انقلاب این اجازه داده خواهد شد از تاریخ انقضای مهلت مقرر شده تمامی اموال منقول و غیر از آن را به فروش رساند... مغایر اصل ۲۰ قانون اساسی است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۲). از دیدگاه شورای نگهبان نتیجه‌ای که به دست می‌آید آنکه: کلیه اشخاص "ملت و گروه‌ها" چه در خارج و چه در داخل کشور تحت حمایت برابر و یکسان از قانون هستند و عدم برخورداری گروهی که فرار کرده و در خارج از کشور به سر می‌برند را دلیل برخوردار نشدن از حمایت حقوقی - قضایی برابر ندانسته است

لذا شورای نگهبان، چنین برخوردهای قانونی را به عنوان تبعیض و عدم برابری ناروا در حق ملت می‌داند و از اجرا کردن آن سر باز می‌زند. لایحه مجوز پرداختن تعهدات طرح‌های عمرانی مرتبط به سال‌های ۵۲ الی ۶۳، طلبکاران دولت را به دو گروه طلبکاران پیش و پس از سال ۵۸ طبقه‌بندی نموده است. این دو گروه طلبکار در قانون به شکل مساوی تحت حمایت واقع نشده‌اند و حقوق متفاوتی برای هر یک مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب شورای نگهبان چنین برخورد قانونی با یک گروه که واجد شرایط حقوقی یکسان و برابر هستند را مغایر برابری همگان در مقابل

قانون و حمایت برابر و یکسان قانون از کلیه اشخاص ملت و گروه‌ها دانسته است و اجرا کردن آن را نمونه آشکار تبعیض و عدم برابری ناروا می‌داند و از تصویب و اجرای چنین امری ممانعت نموده است.

۶- تضمینات تحقق اصل برابری و منع تبعیض و عدم برابری

افزون بر تدابیر گفته شده ضرورت دارد که مکانیزم‌ها و پیش شرط‌هایی به منظور تحقق موارد فوق و در راستای تضمین اصل برابری و منع تبعیض و عدم برابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی در نظام حقوقی مبناى عمل قرار گیرد. در این بخش به بررسی شفافیت، پاسخگویی، تضمینات قضایی در راستای تحقق این مهم پرداخته می‌شود.

۶-۱- شفافیت

شفافیت به عنوان یکی از اصول مهم حکمرانی خوب مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. شفافیت در امور عمومی به طور کلی به معنای گردش آزاد اطلاعات در حوزه امور عمومی و فراهم بودن امکان دسترسی همگان به اطلاعات مربوط به آن است. ایجاد شفافیت در امور عمومی، ناظر بر اهداف مختلفی از جمله افزایش اعتماد عمومی به دستگاه حاکمه است. بدیهی است پیشبرد برنامه‌های یک کشور بدون همراهی و همکاری مردم و نهادهای غیردولتی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود. در مقابل، با افزایش همراهی شهروندان با برنامه‌های دولت خود و همچنین ارتقای اعتماد شهروندان، آن دولت با چالش‌های کمتری مواجه خواهد بود. این مسئله بیانگر اهمیت بحث از، اعتماد عمومی و لزوم تلاش برای ارتقای آن است.

مقبولیت و مشروعیت‌بخشی از سوی عموم مردم نسبت به حکومت‌ها بایستی مداوم باشد. باید بیان داشت که این ارکان مهم در قالب‌های متعددی نظیر انتخابات و همه‌پرسی و همراهی و همکاری عموم مردم در اجرایی نمودن برنامه‌های ملی و محلی و نظایر آن آشکار می‌نمایند. حکومت‌های مردمی مشروع به پشتوانه اعتماد عمومی در اجرا کردن برنامه‌های خود با دشواری‌های کمتری مواجه می‌باشند و در مواقع بحرانی با همراهی عموم مردم و حکومت آسان‌تر از موانع عبور می‌نمایند (زاهدی و خان‌باشی، ۱۳۹۰: ۶۷). از این رو بحث اعتماد عمومی از موضوعات مهم در حقوق عمومی و علم سیاست می‌باشد.

اعتماد عمومی به مفهوم همراهی و به بیانی دقیق‌تر اعتماد و اطمینان مردم به برنامه‌های حکومت و فعالیت‌های دولتمردان می‌باشد. با در نظر گرفتن اهمیت بسیار این موضوع، دولتمندان غالباً راهکارهایی به جهت تقویت این مطلب دارند. علل و عوامل گوناگونی در تضعیف و یا تقویت این

مسئله دخیل هستند. عواملی همچون فساد و پاسخگوی مسئولین و کیفیت ارائه خدمات عمومی و مسئولیت پذیری دولتمردان و در نتیجه شفافیت در امور عمومی از مباحث حائز اهمیت تاثیرگذار، بر اعتماد عمومی هستند. شفافیت در امور عمومی به مفهوم قابل رویت و قابل درک بودن اعمال دولتمردان و وضوح فرایند ایجاد تصمیمات و نوع اجرای آنها و نیز ملموس بودن نتایج مثبت تصمیمات دولت بر زندگی عموم مردم می‌باشد.

یکی از موانع آگاهی کامل مردم در رابطه با امور عمومی وجود سازمان‌های گسترده و نیز انبوه اطلاعات مرتبط با آن بوده است. دانستن آنکه مجریان در دولت به طور دقیق چه اموری را به انجام می‌رسانند و همچنین نظارت بر عملکرد آنها سخت است. امکان دارد بعضی مقامات منتخب مردم باشند اما عده‌ای دیگر از این چنین کنترلی نسبتاً مصون می‌باشند. از این رو شهروندان بایستی به سازمان‌ها، کارکنان، مدیران دولت از لحاظ عمل در جهت منافعشان اعتماد داشته باشند (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۴۳).

از این رو بحث اعتماد عمومی اهمیت خاصی دارد. هنگامی که در دسترس بودن کلیه اطلاعات با جزئیات آن امکان‌پذیر نباشد ناچار به سخن از بحث اعتماد می‌باشیم ولیکن برای به دست آوردن این اعتماد؛ شفافیت اولیه ضرورت دارد تا عموم مردم از درستی و خیرخواهی قوای حاکم اطمینان پیدا نمایند. بعد به هر اندازه که شفافیت طی انجام فرایندها افزایش پیدا کند؛ اعتماد عمومی تقویت می‌شود (صوفی مجیدپور، ۱۳۹۳: ۶۷). عامل مهم در کسب اعتماد عمومی عملکرد مناسب دستگاه حاکم در شفاف سازی می‌باشد به شکلی که کلیه سیاست‌ها و تصمیمات مهم، به درستی اطلاع رسانی گردند.

با این مفهوم انتظار می‌رود مسئولین عمومی اطلاعات لازم و ضروری را از مسائل جاری به عموم مردم مطرح نمایند. این محتوا نبایستی سانسور و محدود و یا فیلتر شود. در حقیقت وظیفه مهم شفاف سازی به دستگاه عمومی محول گردیده است. خاص عمومی مردم و فرهنگ مطالبه‌گر برای شفافیت از عوامل مهم است که به وجود آورنده عزم دستگاه دولتی به جهت شفاف کردن امور و فرایندها تلقی می‌گردد. اگر دستگاه دولتی و شهروندان هر دو شفافیت در امور دولتی را یک اصل تلقی نمایند آنگاه می‌توان به داشتن دولتی شفاف امیدوار بود. بنابراین موضوع شفافیت دارای اهمیت است که جلب اعتماد عمومی به نظام حاکم بدون وجود آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در حقیقت شفافیت شرط لازم و ضروری به جهت کسب اعتماد عمومی به دستگاه حاکم و روش اداره کشور تلقی می‌گردد. شفافیت ارتباط میان مقامات عمومی و مردم را توسعه می‌بخشد تا بین اطلاعات به وجود آمده به واسطه دولت و هر آنچه در اختیار مردم است توازن ایجاد کند. چنانچه

مردم از آنچه در جامعه به وقوع می‌پیوندد مطلع نباشند، اقدامات حاکمین از دید آنها پنهان است و مردم توان ایفای نقش معنادار در امور اجتماعی را ندارند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۷۸).

امکان دارد دولتی از نظر آمار و ارقام و اطلاعات دستگاه‌های خود و یا سایرین از کارآمدی در عرصه‌های متعدد برخوردار باشد.

اما مردم این چنین تلقی و برداشتی از آن ندارند. در چنین شرایطی اعتماد عمومی ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ مردمی پیدا می‌کند که در آن به نوع نگرش و احساسات و ارزیابی عموم مردم در خصوص نظام سیاسی و نهادهای ذیربط توجه می‌گردد (زاهدی و خان‌باشی، ۱۳۹۰: ۳). از این رو مضاف بر عملکرد مناسب در بهبود شرایط اجتماعی، شفاف سازی در این خصوص اهمیت دارد. بدون شفاف سازی و گردش آزاد اطلاعات، اقناع عمومی در این خصوص به سختی به دست می‌آید و همچنین اعتماد عمومی جلب نمی‌شود.

از سویی دیگر شفافیت مشارکت موثر عموم مردم در امور اجتماعی و سیاسی را امکان‌پذیر می‌نماید این مشارکت عمومی افزایش اعتماد عمومی و تقویت همبستگی میان جامعه و حکومت را به دنبال دارد. بنابراین شفافیت مضاف بر اینکه به صورت مستقیم سبب افزایش اعتماد عمومی می‌گردد توسط ممکن ساختن مشارکت موثر مردم، همبستگی و اعتماد عمومی را بالا می‌برد. ضرورت دارد برای مردم تشریح گردد که دولت و سازمان‌های دولتی چه اموری را به انجام می‌رساند و به چه نحوی این امور را انجام می‌دهند و چگونه انجام این امور بر زندگی روزمره آنها تاثیر می‌گذارد.

می‌بایست سوء برداشتها را نسبت به دولت و سازمان‌های دولتی و نظام سیاسی رفع و مشارکت همگان را در فرایند سیاسی تقویت نمود. زمانی که مردم تاثیر مثبت دولت بر زندگی خود را تایید نمایند و از نقش دولت در بهبود شرایط آگاه گردند حمایت آنها نسبت به دولت بالا می‌رود (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۴). در حقیقت تاثیر غیر مستقیم شفافیت این چنین بوده زمانی که اطلاعات در دسترس شهروندان باشد حاکمیت پیشرفت می‌نماید. از اصلی‌ترین ابزارهای محقق شدن شفافیت، رسانه و مطبوعات آزاد است.

از این رو اشخاص و نظام‌های مستبد به مبارزه با آنها برمی‌خیزند. این آزادی با مهیا ساختن زمینه ی تبادل عقاید و توسعه روحیه انتقاد ضرورتاً دیر یا زود قدرت سیاسی موجود را زیر سوال خواهد برد. مثلاً در این راستا یکی از عوامل برپایی انقلاب مصر، تونس و لیبی نقش آفرینی شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر و فیسبوک است (نرگسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸).

از این رو رسانه‌های نوین با بهره گرفتن از بستر نامحدود و بسیار گسترده فضای مجازی در حال حاضر هرچه بیشتر و بهتر قادر به اطلاع رسانی و آگاه‌سازی مردم از امور جاری، و به ویژه شفاف

کردن امور دولتی برای اشخاص غیر دولتی هستند. لذا با در نظر گرفتن آنکه آشکار بودن ارتباطات، اقدامات و در دسترس بودن اطلاعات آنها برای مردم به منظور شفافیت و در نتیجه جلب اعتماد عمومی در نظر گرفته شده است بستر مناسب برای محقق شدن این مسئله اهمیت خاصی دارد.

در حال حاضر با انتقال بخش مهمی از ظرفیت رسانه‌ها به فضای مجازی و شبکه جهانی وب این ابزار جدید قابلیت نقش آفرینی در اکثر امور اجتماعی و اطلاع رسانی مطلوب را داشته است (نرگسیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۱). به دلیل ظرفیت بالای این شبکه و امکان دسترسی همگانی می‌تواند تحت عنوان بستری مناسب برای ارائه خدمات و اطلاعات عمومی به شمار بیاید. در نتیجه نکته حائز اهمیت آنکه در شفاف‌سازی به واسطه دولت‌ها بایستی به نتایج توجه نمود. شفاف‌سازی می‌بایست به شکل دقیق انجام پذیرد تا معایب احتمالی و فواید آن تحت شعاع قرار نگیرد. در مدل تصمیم‌گیری مناسب برای داده حکومت، گردش آزاد اطلاعات دولت بایستی مزایای این رویکرد نظیر افزایش شفافیت و تقویت رشد اقتصادی را در یک کفه و معایب آن همچون نقض حریم خصوصی را در کفه دیگر ترازوی تصمیم خود قرار بدهد.

باید بیان نمود خطری که با بالا رفتن نقش رسانه‌ها و فضای مجازی خودنمایی می‌کند این است که امکان کمرنگ شدن اخبار مهم در بین انبوه اخبار غلط است. قدرت کار رسانه و انتشار گسترده اطلاعات امکان دارد موجب ایجاد احساسی از شفافیت کاذب در امور گردد. بدین شکل که در عین وجود اطلاعات مربوط به امور عمومی آن بخش از اطلاعاتی که تاثیرگذار هستند از نظر مخفی ماندن. مضاف بر آن به دلیل اینکه غربال مناسبی به جهت تمیز اطلاعات درست از نادرست منتشر گردیده در این بستر در دسترس نبوده است امکان دارد وجود اطلاعات اشتباه موجب کاهش یا از بین بردن اعتماد عمومی گردد. ضمن اینکه در انتشار گسترده اطلاعات، امکان نقض حریم خصوصی و سوء استفاده از این داده‌ها موجود است. از این رو همچنان که تاثیرات مثبت بستر مجازی و رسانه‌ها امکان ناپذیر به شمار می‌آید بایستی در پی راهکاری به جهت به حداقل رساندن مضرات آن بود. چرا که شفافیت به منظور ارتقای اعتماد عمومی دنبال می‌شود و انتشار اطلاعات اشتباه و یا غیر درست و نقض حریم خصوصی مردم از عواملی بوده که می‌تواند آثار مثبت و شفافیت را در دیدگاه شهروندان تحت شعاع قرار بدهد و این سبب از دست دادن اعتماد عمومی می‌شود که با غایت شفاف‌سازی ناسازگار می‌باشد.

۶-۲- پاسخگویی

یکی دیگر از تضمینات تحقق اصل برابری و منع تبعیض و عدم برابری دولت، پاسخگویی است. پاسخگویی سازمانی یکی از عوامل مردمی کردن و مردمی دانستن نظام اداری به شمار می‌آید

(موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۸). پاسخگویی ابزاری بوده برای دادن توضیح متعهدانه اعمال و تصمیمات نهاد به فرد و یا نهاد دیگری. احساس پاسخگویی در برابر جامعه می‌تواند سازمان‌ها را از ورود به کج‌راهه و غلطیدن در نگرش‌های آمرانه و یکسوگرانه باز بدارد. بازنگری سازمان‌ها در عملکردها و دوری از غفلت محیط‌های پیرامون و اهمیت بیشتر به مردم، فضا را برای توجه بیشتر به محیط بالاخص در سطح اجتماعی مهیا نموده است. مدیران بخش دولتی نمی‌توانند از جنبه‌های متعدد پاسخگویی غافل شوند. از این نظر پاسخگویی در بخش عمومی پیچیده‌تر از پاسخگویی در بخش خصوصی می‌باشد.

پاسخگویی از عناصر مهم مدیریت دولتی به شمار می‌آید که اعتماد و انصاف را در اذهان متبلور می‌نماید. لذا یکی از پیش شرط‌های الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تبیین الگوی پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی در جامعه است. ما نیازمند ارائه تعریف مجدد از احساس سازمان‌های بخش دولتی نسبت به جامعه بوده‌ایم. به گفته کینگ در مقایسه با پارادایم مدیریت دولتی نوین که بر اثر بخشی تاکید بسیار دارد در پارادایم خدمات عمومی نوین بیشتر بر پاسخگویی و تطبیق‌پذیری و خلق اعتماد شهروندان به بخش دولتی تاکید می‌گردد. پیش فرض نظریه خادمیت فرار از مسئولیت نبوده بلکه در رفتارهای مسئولانه فراسازمانی تاکید داشته است. بلاک برای مدیرانی که خواستار حکمرانی بر اساس خادمیت بوده مطرح می‌کند که خادمیت در صورتی تحقق پیدا می‌کند که معتقد باشیم همگی در پی پاسخگویی می‌باشیم. نگاه اخلاقی به پاسخگویی موجب خواهد شد که نسبت به چالش‌های محیطی حساس شویم و برداشت ما از تغییرهای محیطی معنادار شود و می‌توان ادعا کرد که کلیه تلاش صاحب نظران آن بوده که مفهوم فوق و روند آن تحت عنوان یک فرهنگ در سازمان‌ها و جامعه به شکلی نهادینه شده جاری شود.

۳-۶- تضمینات قضایی

از دیگر تضمینات منع تبعیض و عدم برابری دولت، تضمینات قضایی می‌باشد. با وجود قانون و منابع قانونی مستقل می‌توان دولت‌ها را ملزم به تحقق واقعی و عملی برابری شهروندان و ارائه خدمات عمومی نمود. از طرفی اقدامات قضایی، ابزاری مناسب در اجرای قانون و رعایت انصاف در حوزه‌های مختلف خدمات عمومی محسوب می‌گردد. این موضوع اثرات مطلوبی در انجام وظایف دولت و هماهنگی نهادها و سازمان‌های دولتی داشته که قابلیت بهبود ارائه خدمات عمومی را فراهم می‌سازد (ویژه ۱۳۹۳: ۸۹).

در واقع تضمینات قضایی متضمن حقوقی شکلسی در راستای حمایت و تضمین حقوق ماهوی ست تا اشخاص بتوانند از طریق این مکانیزم ها نسبت به تظلم و دادخواهی و اعاده وضعیت به الگوی مبتنی بر عدم تبعیض و عدم برابری اقدام نمایند.

۷- نتیجه گیری

اصل برابری و ممنوعیت تبعیض و عدم برابری ناروا در راستای اهمیت خاصی که برای عموم دارد در زمان تاسیس دولت مدرن در سند تشکیل دولت و زیر مجموعه منشور حقوق و آزادیهای عمومی جای می گیرد. تا با تحقق آن از اعمال تبعیض و عدم برابری ناروا و نقض برابری حقوقی شهروندان به واسطه دولت به مثابه "لویاتان" ممانعت گردد. تدوین اصل برابری و ممنوعیت تبعیض و عدم برابری ناروا در میثاق ملت، به تنهایی نمی تواند ضامن عدم وقوع تبعیض و عدم برابری در میان عموم مردم باشد.

اصلی ترین علت را به نوعی می توان عدم درک معنا و مفهوم کامل از اصل عدم تبعیض و عدم برابری و برابری حقوقی شهروندان در نظر داشت که چه عملی مغایر برابری حقوقی اشخاص ملت و تبعیض و عدم برابری ناروا است؟ اصلی ترین منبع برای بررسی مفهوم اصل برابری و تبعیض و عدم برابری ناروا را می توان آرا و تصمیمات نهاد پاسدار قانون اساسی در نظر گرفت. نهاد فوق به علت بررسی عدم مغایرت مصوبات پارلمان با اصول قانون اساسی به شکل سلبی اصول قانون اساسی را تفسیر و بررسی می نماید. در نظام حقوقی ایران دیدگاه ها و آراء نهاد شورای نگهبان از اصلی ترین منابع بررسی اصول قانون اساسی تلقی می شود و با بررسی دیدگاه ها و آراء شورای نگهبان به نوعی می توان با مفاهیم اصل برابری و ممنوعیت تبعیض و عدم برابری ناروا و نیز نوع صیانت از این اصول آشنا گردید.

بر اساس اصول گوناگون قانون اساسی از میان اصول سوم - بیست و نهم - سی ام - سی و یکم و چهارم فلسفه وجودی دولت و حقوق اداری ایران ارائه خدمات عمومی بوده است. اصول مذکور دلالت بر این مسئله داشته که اساس و مبنای حقوق اداری در قانون اساسی نظریه خدمات عمومی بوده و نظریه مذکور، اصلی ترین مبنای حقوق اداری است. در قلمرو و چهارچوب اصول مذکور خدماتی نظیر آموزش و پرورش - تربیت بدنی رایگان - تامین اجتماعی - خدمات بهداشتی و درمانی - بیمه - تامین نیازهای مهم از جمله مسکن - پوشاک - خوراک - بهداشت و نظایر آن مطرح گردیدند. در خصوص اصول حاکم بر خدمات عمومی بایست در نظر گرفت که پاره ای از اصول مذکور نظیر برابری و رایگان بودن را به نوعی می توان صراحتاً در متن قانون اساسی یافت.

ولیکن تعداد دیگر نظیر تداوم - انطباق - تقدم خدمات عمومی غیر مستقیم، از مفهوم پاره‌ای اصول قانون اساسی قابل استخراج می‌باشند. اصل برابری از اصول سوم: بند ۳ - ۹ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۴ - ۴۳: بند یکم و دوم - و اصل رایگان بودن از اصول سوم: بند ۳ - ۳۰، قابل برداشت می‌باشند. به این شکل می‌توان از اصول ۶۳ - ۶۸ - ۱۱۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۵ اصل تداوم و یا استمرار خدمات عمومی را برداشت نمود.

اصول تقدم و انطباق خدمات عمومی در هیچ کدام از اصول قانون اساسی، مورد اشاره قرار نگرفتند. اما شاید بتوان از روح حاکم بر پاره‌ای از اصول منجمله اصل ۲: بند ۶ - اصل ۲۸: بند ۲ - ۷ - ۹ - اصل ۴۳ و اصل ۱۰۰ اصل انطباق و سازگاری و از اصول ۲۴ - ۲۸ - ۴۰: اصل تقدم خدمات عمومی را استنباط کرد.

خدمات عمومی که علت مهم و اصلی ارائه آن را بایستی در رفاه و آسایش عموم یافت می‌تواند با در نظر گرفتن مقاصد متفاوتی که دولت بر اساس قانون اساسی بر ذمه داشته است، یکی از مبانی حقوق اداری یا همان فلسفه وجودی دستگاه‌های اداری در نظر گرفت. هر چند ریشه نظریه خدمات عمومی در حقوق اداری فرانسه می‌باشد ولیکن با بررسی در اصول قانون اساسی ایران می‌توان به نقش نظریه خدمات عمومی و همچنین اصول حاکم بر آن در نظام حقوقی ایران دست یافت. لذا نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در دسته نظریاتی هستند که می‌توان نشانه‌های آن را در آموزه‌های اسلامی چه قرآن چه روایات و نیز سیره عملی معصومان علیه السلام یافت.

در دیدگاه‌های اسلامی موثر در نظام حقوقی ما به جای اصل تساوی و یا برابری اصل عدالت مورد پذیرش قرار گرفته که در برخی مواقع اقتضای عدالت تبعیض و عدم برابری بوده البته از نوع مثبت آن و در برخی مواقع نیز اقتضای عدالت مساوات و برابری بوده و یا آنکه مفهوم اصل تقدم و معیارهای آن در نظام حقوقی ما با مفهوم آن در مکاتب غربی تفاوت دارد.

با بررسی کردن و مطالعه ریشه‌های حائز اهمیت ناعدالتی در ارائه خدمات به واسطه دولت می‌توان به این امر حائز اهمیت دست یافت که قانون اساسی ایران بر مبنای قرآن و احکام اسلامی مورد تدوین قرار گرفته و در سراسر آن ایجاد عدالت و ارائه مطلوب و منصفانه خدمات عمومی و اجتماعی تحت عنوان معیار اصلی سنجش اعمال حکومت تاکید گردیده است. از طرفی نیز دولت موظف است تا بستر و زمینه فعالیت اقتصادی را برای تمامی اشخاص مهیا سازد تا بدین واسطه شهروندان با فعالیت اقتصادی امکانات ضروری برای زندگی آبرومند را برای خود مهیا سازند.

با کمال تاسف در جامعه کنونی ایران هر دولتی تنها قسمتی از قانون اساسی را برگزیده و اجرایی می‌سازد در صورتی که با اجرا کردن قانون اساسی به شکل کامل و جامع می‌توان عدالت اجتماعی

و ارائه منصفانه خدمات را ایجاد ساخت. ضمناً ضرورت دارد تا در ابتدا میان اندیشمندان و بعد میان قوای سه گانه: مقننه - مجریه - قضاییه وفاق منطقی برقرار گردد. به دلیل آنکه تا هنگامی که در مبانی نظری و مفهوم عملی عدالت اجتماعی وحدت کلامی موجود نباشد اجرای آن با یک سری چالش‌های مهم مواجه است. کلیه کشورهایی که از عدالت نسبی توزیع خدمات عمومی برخوردار هستند از یک سیستم درست و صحیح آموزشی برخوردار می‌باشند.

ناتوانی سیستم‌های آموزشی برای حل و فصل معضلات جامعه از بدو تا خاتمه تحصیلات یکی از دلایل مهم بی‌عدالتی است. شاید بتوان ریشه‌های بحران اقتصادی و اجتماعی را در سیستم آموزشی یافت. بررسی‌های اخیر حاکی از آن است که نظام‌های آموزشی بسیاری از جوامع در حال توسعه به جای آنکه نابرابری‌های درآمدی را کاهش بدهند آن را افزایش دادند. بدین ترتیب در راستای بهبود توزیع درآمد و ثروت بایستی امکانات آموزشی کشور به شکل منصفانه توزیع گردد. برای اجرای حقیقی و فراگیر عدالت اجتماعی، سیاست‌ها بایستی بر اساس تامین مقاصد برابری فرصت‌ها - هماهنگی کلیه بخش‌های اقتصادی با هدف‌های عدالت خواهانه همچون فقرزدایی - آموزش همگانی - رشد عدالت محور و فرهنگ‌سازی باشد. در نظریه عدالت همانند انصاف تنها آن بخش از نابرابری‌ها در ثروت و درآمد مجاز هستند که به سود محروم‌ترین اشخاص باشد.

نابرابری اقتصادی همواره مذموم نبوده و هر آنچه که ارزش ذاتی داشته عدالت می‌باشد و نه برابری. لذا بایستی به این امر حائز اهمیت توجه نمود که عدالت برابری نیست و عدالت توزیعی یکی از ابعاد برابری به شمار می‌آید. دولت می‌بایست مضاف بر تامین کالاهای اولیه، اصول تعیین کننده توزیع عادلانه را هم در نظر بگیرد. توزیع منصفانه درآمد از نظر روانی انگیزه نیرومندی در راستای بالا بردن نرخ مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و همکاری با برنامه‌های توسعه اقتصادی را به وجود می‌آورد. ناعدالتی شهروندان و به ویژه اندیشمندان و آگاهان جامعه را بر علیه برنامه‌های اجرایی که سبب ظلم و شکاف طبقاتی گردیده برمی‌انگیزاند.

در شرایط تبعیض و عدم برابری درآمد حاصل از رشد اقتصادی به شکلی نامتعادل توزیع می‌گردد و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی به وجود می‌آورد و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات برخوردار می‌گردند و جمع بسیار زیادی از اشخاص جامعه زیر خط فقر جای می‌گیرند و از حداقل امکانات اولیه نیز برخوردار نمی‌گردند.

از مهمترین تضمینات تحقق اصل برابری و منع تبعیض و عدم برابری می‌توان به شفافیت، پاسخگویی و تضمینات قضایی اشاره نمود.

منابع

الف) کتب

- آگاه، وحید، ۱۳۹۹، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- امامی، محمد، ۱۳۹۹، حقوق مالیه عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- پاکدامن، رضا، ۱۳۹۸، رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی سازی، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- پژویان، جمشید، ۱۳۹۲، اقتصاد بخش عمومی، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- رضایی زاده، محمد جواد، ۱۳۹۵، حقوق اداری ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- زرگوش، مشتاق، ۱۳۸۹، مسئولیت مدنی دولت، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
- شعبانی، قاسم، ۱۳۹۰، حقوق اساسی و ساختار حکومت در جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهل و دوم، تهران: نشر اطلاعات.
- شمس، عرفان، ۱۳۹۹، نقش نهادهای مقررات گذاری در تنظیم خدمات عمومی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- عباسی، بیژن، ۱۳۹۹، حقوق اداری، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بایسته های حقوق اساسی، چاپ ۲۲، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، مقدمه علم حقوق، چاپ ۳۶، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- کوهن، کارل، ۱۳۹۳، دموکراسی، ترجمه: فریبرز مجیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۸۹، حقوق اداری ایران، چاپ اول، تهران: جنگل جاودانه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، چاپ ۱۳، تهران: انتشارات صدرا.
- موسی زاده، ابراهیم، ۱۳۹۱، حقوق اداری، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
- هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۲، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۴، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

هداوند، مهدی، آقایی طوق، مسلم، ۱۳۸۹، دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

(ب) مقالات

- دادگر، یدالله، ۱۳۹۶، مالیه عمومی و اقتصاد دولت، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- رضایی‌زاده، محمدجواد، کاظمی، داوود، ۱۳۹۸، بازشناسی نظری خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی، شماره ۸.
- زاهدی، شمس السادات، خان‌باشی، محمد، ۱۳۹۰، از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی، پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، شماره ۱۴.
- صوفی مجید پور، مسعود، ۱۳۹۳، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، شماره ۸۷.
- کوهی اصفهانی، کاظم، امینی‌زاده، محمد، زمانی، امین‌الله، عمرانی، سلمان، ۱۳۹۳، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۹۰ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- گرچی، علی اکبر، ۱۳۹۷، قانون اساسی شایسته، نشریه حقوق اساسی، شماره ۱۰.
- منصورآبادی، عباس، ۱۳۹۴، حق تجدید نظر در فرایند دادرسی عادلانه، حقوق خصوصی، شماره ۸.
- ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۹۷، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۷۶.
- نبویان، سید محمود، ۱۳۹۸، حق و تکلیف و تلازم آنها، معرفت فلسفی، شماره ۱۸.
- نرگسیان، عباس، هژبرافکن خللی، حسن، معینی کربکندی، محمدرضا، ۱۳۹۴، مطالعه تاثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین و شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجی‌گری مشارکت عمومی، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳.
- هزار جریبی، جعفر، ۱۳۹۶، بررسی احساس عدالت اجتماعی بر عوامل موثر آن، مطالعه موردی، مقاله پژوهشی، شماره ۴.
- الوانی، سید مهدی، دانایی‌فر، حسن، ۱۳۹۰، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۵۵، شماره ۶.
- ویژه، محمدرضا، ۱۳۹۳، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، شماره دوم.

ج) پایان نامه ها تقریرات

امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۹۱، جزوه حقوق اداری ۱، دوره کارشناسی ارشد، حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی.

امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۹۱، جزوه حقوق اداری ۲، مقطع کارشناسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

چقایی، مهدی، ۱۳۹۱، دیدگاه امام در برابر اقتصاد و عدالت اجتماعی، پایان کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.

رستگار جو، حسین، ۱۴۰۰، فرهنگ و عدالت اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی کشور، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی و گروه مدیریت واحد بین‌المللی قشم دانشگاه آزاد اسلامی.

